

پس از پایان جنگ ۱۲ روزه، مجدداً دوقطبی‌های سابق سربرآوردند تا آن انسجام خارق‌العاده را آماج هدف قرار دهند. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین دوقطبی‌ها هم همان مذاکره یا جنگ است. دوقطبی معروفی که دهه نود را به پای خودش سوزاند و در نهایت به نقطه ۲۳ خرداد رسید. نقطه‌ای که هم مذاکرو در جریان بود و هم جنگی درگرفت. حالا هرکدام از آن دو طرف دهه نود با همان کهن‌الگوهای خود، درباره وضعیت کنونی نظر می‌دهند که مذاکره بکنیم یا نکنیم. مشکل هر دو گروه این است که هنوز در دهه نود یا حتی قبل‌تر از آن زندگی می‌کنند، با واقعیت روز ناآشنا هستند، عینکی نادرست برای دیدن واقعیت دارند و باز هم مسئله را ایدئولوژیک می‌نمایند.

اما مختصات واقعیت در حال حاضر چیست؟ از یک طرف مذاکروای وجود ندارد. ترامپ به وضوح، حمله به ایران را به بمباران اتمی زاین تشبیه می‌کند تا انتظارش برای آینده را در قالب همین مثال بیان کند. تسلیم انتظاری است که او پس از پایان این جنگ دارد. اینکه غنی‌سازی برای همیشه از ایران برچیده شود. اما بگذارید با عینک آن ۱۸۰ نفری که بیانیه نوشتند به موضوع نگاه کنیم. «بیابید غنی‌سازی را در یک مذاکره بدهیم و به دنیای مدرن و معمولی ترامپ ببیندیم و از همه مهم‌تر دیگر جنگی اتفاق نیافتد». چند ایراد سطحی و عمیق به این نظریه وارد است.

ایراد اولیه این است که اگر ما غنی‌سازی را دادیم، چرا آمریکا اسرائیل باید در همان نقطه متوقف شوند؟ آن‌ها یک مدل را اجرا کرده و در آن موفق بودند. پس حتماً دوباره هم از آن مدل استفاده خواهند کرد. این مدل شامل مذاکره (یا همان اجبار به پذیرش خواسته‌هایشان)، عدم پذیرش توسط ایران، حمله نظامی و سپس پذیرش همان خواسته‌ها توسط ایران است.

ادامه در صفحه ۷

میرحسین موسوی و ارتجاع فکری

۲۷ روز پس از آغاز جنگ و ۱۵ روز پس از پایان جنگ، پیام دادن و تجاوز اسرائیل به ایران را محکوم کردن هنر نیست، مخصوصاً برای سیاستمداری که روزی نماد حزب‌الله بوده و همسرش، زهرا رهنورد تنها چهار روز پس از آغاز جنگ دست به قلم برده و حمله به ایران را محکوم کرده و بدون کنایه و متلک، از «کشورمان ایران» دفاع کرده است. میرحسین موسوی، در تمام مدت حصر و اخیراً بیشتر آزادی عمل داشته تا بخواند، بنویسد، مطالعه کند، تماس بگیرد و پیام صادر کند. او اما ترجیح می‌دهد همیشه آن ۸ ماه تلخ آشوبگری سال ۸۸ را یادآوری کند و با همان ادبیات ۱۸ بیانیه‌ای که داشته، غیرمسئولانه و یکجانبه‌گرایانه، «یک رشته خطاهای بزرگ» نظام سیاسی را مقصر تجاوز اسرائیل معرفی کند. در واقع، میرحسین بیش و پیش از آنکه برخلاف همسرش، نتانیاهوی جنایتکار را به دلیل نقض تمامی قواعد حقوق بین‌الملل در تجاوز به خاک و حریم ایران اسلامی محکوم کند، باز هم نظام سیاسی را شمایات می‌کند؛ چیزی که در تاریخ جهان بی‌سابقه است. در منطق او تقصیر متوجه متجاوز است اما مقصر وضعیتی که تجاوز را شدنی می‌کند، قربانی است. در نتیجه باید گفت میرحسین موسوی ۸۴ ساله می‌تواند به عنوان مبدع یک اندیشه سیاسی با عنوان سندروم استکھلم سیاسی شناخته شود.

در این سندروم، قربانی با متجاوز، از روی ترس یا اضطراب احساس همدلی پیدا می‌کند تا بقای او تضمین شود. موسوی گمان می‌کند در صورت موفقیت طرح نتانیاهوی کودک‌کش برای فردای احتمالی براندازی جمهوری اسلامی ایران، او نقش و کارکردی ویژه پیدا خواهد کرد؛ در نتیجه مرتباً در کوشش است بگوید «من با این‌ها نیستم».

ادامه در صفحه ۷

فرهنگستان

دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴
شماره ۴۴۵۸
۱۶ صفحه
۱۸ محرم ۱۴۴۷
۱۴ جولای ۲۰۲۵
FARHIKHTEGANONLINE
FARHIKHTEGANDAILY.COM

کنایه «صداقت آمریکایی» که رئیس مجلس آن را تکرار کرد
این روزها بیش از هر زمانی سرلوحه کار دیپلمات‌هاست

اعتماد زیر صفر

۷

احتمال آغاز دور جدید گفت‌وگوها وجود دارد و ممکن است

واسطه تغییر کند؛ راهبردهای ایران پس از انداختن بمب

روی میز مذاکرات چیست؟

مذاکره با شرایط جدید؟

۲

آثار کوتاه هنری ایرانی و غیر ایرانی به نفع مقاومت از رسانه‌های رسمی جلو زدند

تکثیر بوم بوم تل آویو

۱۳

میر فاتح

سیدعلی میرفاتح، تصویرگر تمثال شهدا

در خیابان‌های تهران شده است، اثر اقدام او کم از موشک‌های فاتح نیست ۱۲

ایران برداشت از سکوهای شمالی را
آغاز می‌کند؟

پاسخ به باکو

در چاه‌های نفت خزر

۱۶

